

RL STINE

FEAR STREET®

خیابان ترس

هوادار مرموز

مجموعه خیابان ترس # ۲

آر. ال. استاین

غلامحسین اعرابی

سرشناسه: استاین، R.L. Stine
عنوان و نام پدیدآور: هوادار مرموز / نویسنده: آر. ال. استاین؛ مترجم

غلامحسین اعرایی.

مشخصات نشر: تهران، پلیکان، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.

فروست: ... مجموعه خیابان ترس

شابک: ۹۶۴-۸۵۹۰-۳۴۰۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Secret admirer, ۲۰۰۵.

موضوع: داستان های وحشت آفرین آمریکایی -- قرن ۲۰ م.

موضوع: داستان های آمریکایی -- قرن ۲۰ م.

شناسه افزوده: اعرایی، غلامحسین. ۱۳۲۹ - مترجم.

رده بندی کنگره: الف ۱۳۸۶ ۹ ۲۱۴ س / PS ۳۵۵۳

رده بندی دیویی: ۸۱۳/۵۴ ج

شماره کتابخانه ملی: ۶۶۹۳۵-۲۸۵

RL STINE

FEAR STREET®

خیابان ترس



انتشارات
پلیکان

هوادار مرموز

مجموعه خیابان وحشت ۲۸

آر. ال. استاین

غلامحسین اعرایی

طراح / علی اعرایی • صفحه آرای / پلیکان • لیتوگرافی / تهره آبی

چاپ / تهره آبی • نویت چاپ: اول (۱۳۸۷) • شمارگان / ۳۳۰۰

قیمت / ۲۰۰۰ تومان

انتشارات پلیکان: میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوچه کاج، پلاک ۱۳، طبقه اول

۶۶۴۳۹۹۲۳ ، ۶۶۹۲۲۱۳۰ ، ۹۱۴-۲۰۲۷۸۴۱

صندوق پستی: تهران ۸۹۶-۱۳۱۴۵

pelican_publisher@yahoo.com

نشر پلیکان

آرال استاین ژانر وحشت برای نوجوانان را با مجموعه خیابان ترس آغاز کرد که پر فروش ترین مجموعه داستان های ترسناک در میان نوجوانان بوده است. وی همچنین با مجموعه فوق العاده موفق Goosebumps (مورمور) چهره نشر برای کودکان را تغییر داد و در فروش کتاب های کودک نامش در کتاب ترین های کینس ثبت شد. تعدادی از کتاب های این مجموعه جز پر فروش ترین کتاب های سال معرفی شدند.

آرال استاین جوایز متعددی، از جمله چندین جایزه کودکان Disney Choice Awards، Nickelodeon Kids' Choice Awards و Choice Awards دریافت کرده و توسط کودکان خواننده به عنوان محبوب ترین نویسنده انتخاب شده است. او اکنون در نیویورک زندگی می کند.

سلنای عزیز،

معنی اسم تو «ماه» است. تو هم مثل ماه درخشان و زیبا و
مرموزی. موی بورت همچون شعاع‌های مهتاب به نقره‌ای
می‌زند.

همه تو را تفهین می‌کنند. همه برای تو کف می‌زنند.

سلنای عزیز، من هم هوادار تو هستم.

با وجودی که هر روز تو را می‌بینم، اما تو مرا نمی‌بینی. اما
روزی فراخواهد رسید که همه چیز تغییر می‌کند. بالاخره یک روز
من تنها تماشاچی نمایش تو نخواهم بود.

در آن روز سلنا، فقط تو هستی و من... بالاخره روزی، روزی
بسیار نزدیک، فقط من خواهم ماند و تو.

دوستدار همیشگی تو

فورشید



آخرین کلمات سلنا گودریچ تقریباً به صورت نجوا گفته شد: «او دیگر هرگز به تو آسیبی نخواهد رساند... قول می‌دهم، قول می‌دهم که دیگر هیچ‌گاه به تو آسیبی نرساند.»

تماشاچیان شروع به کف زدن کردند. پرده به آهستگی پایین آمد و صحنه را پوشاند. سپس دوباره بالا رفت.

سلنا به قسمت جلوی صحنه آمد و در حالی که لبخندی بر لب داشت، نگاهش را روی تماشاچیان دواند. خوشحال بود از اینکه نمایشش تا این اندازه مورد توجه قرار گرفته است.

رو به جمعیت تعظیم کرد. حلقه‌های تاب‌دار موهای بورش روی شانه‌هایش ریخته بودند. سپس قد راست کرد و به طرف بقیه هنریشه‌های نمایش چرخید. دست‌هایش را از دو طرف باز کرد و آلیسون پیرسون و جیک جاکوبی از دو طرف دست‌هایش را گرفتند و به همین ترتیب، تمام هنریشگان نمایش در یک صف طولانی، دست در دست یکدیگر، رو به تماشاچیان تعظیم کردند. تماشاچیان به پا خاستند و با صدای بلند آنها را تشویق کردند.